WWW.INN.IR

ایران ورزشی

۲۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران ■ سال بیست و پنجم ■ یکشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۰ ■ November 21 - 2021 ■ ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ ■ شماره ۶۹۰۴

2411200075790003 6260757900037

نامه جدید فدراسیون فوتبال به CAS برای شکستن رأی پرونده ویلموتس

کاهش ۱۳ ماه از غرامت قابل‌پرداخت؟

۲

کشمکش سازمان لیگ و سرخابی‌ها بر سر تبلیغات محیطی ادامه دارد

پرونده واگذاری در گرو پاسخ سازمان بازرسی؟

۲

اریک آبیدال درگیر چه ماجرایی شده است؟

خیانت و خشونت در قلب پاریس

۵

آرای مهم کمیته انضباطی

پدیده بازنده و محرومیت الهامی کسر شد

۳

اگر بازی بعدی در ترکیب نباشم ناراحت نمی‌شوم

رضایی: آقا فرهاد اجازه نداد از استقلال بروم

ژستد: بابت فرصت‌سوزی ناراحتم

مهدی پور و رضاوند؛ گل نمی‌زنند، گل نمی‌سازند!

علی کریمی و هافبک‌های خارجی گزینه‌های روی میز فرهاد

بیماری یا تنبیه انضباطی

ماجرای مرادی چه بود؟

عکس: امیرحسین خیرخواه

چرا پرسپولیس تنها تیم بدون کلین‌شیت لیگ است؟

هزینه سنگین تغییر سیستم و اشتباهات فردی

با دست هم نمی‌شد پاسی به دقت امیری داد

باوی: ترابی مکمل‌های خوبی در پرسپولیس ندارد

ربیعی: پنالتی پرسپولیس را برای تیم‌هایی مثل ما نمی‌گیرند

بازی، آنچه استقلال هنوز نساخته است

سرمقاله

فرشاد کاس‌نژاد ■ @Farshadcasnejad

استقلال می‌خواست در هفته پنجم لیگ برتر سبقت بگیرد و خود را از رقبای اصلی‌اش جدا کند اما با تساوی صفر - صفر مقابل نساجی، حالا حتی آلومینیوم اراک را بالای سر خود می‌بیند و فاصله‌اش با سپاهان و حتی پرسپولیس که شروع خوبی در لیگ برتر ندارد، ناچیز است.

استقلال اگرچه هفته‌های آغازین لیگ را امیدوارکننده شروع کرد اما هنوز برای ساختن بازی‌اش کارهای زمین مانده بسیاری دارد. کوین یامگا و روی ژستد تازه به استقلال پیوسته‌اند و ساختن بازی با دو بازیکن خارجی تازه‌وارد به زمان - و البته تبحر مربیان - نیاز دارد. امین قاسمی‌نژاد که از خریدهای گران‌قیمت استقلال است، هنوز نه خودش می‌داند چرا به استقلال آمده است و نه استقلال می‌داند که چرا او را (شاید برای برگزاری بازی خداحافظی در پایان فصل) خریده است. استقلال جعفر سلمانی را با خیال خام خرید یک ستاره استخدام کرد اما امروز با یک مدافع چپ متوسط مواجه است و او شباهتی به نادری و میلیچ که استقلال بیهوده از دست داد، ندارد. استقلال باید زودتر بداند که با آرش رضاوند می‌خواهد کار خط میانی خود را پیش ببرد یا باور خواهد کرد که آرش لازم نبود اولین بازیکن برای تمدید قرارداد و عکس یادگاری باشد. استقلال باید با امیرحسین حسین‌زاده به فوتبال بهتری برسد اما پدیده تیم باید بازی تیم و توانایی خود را بهتر بشناسد و آنگاه برای تیم در بازی‌های پیچیده‌تر اثر بگذارد.

همه اینها یعنی فرهاد مجیدی، گابریله پین و صالح مصطفوی در استقلال کاری را شروع کرده‌اند که باید گام‌های مهمی برای به ثمر رساندنش بردارند.

نساجی بلد بود باید با استقلال چگونه بازی کند، بلد بود چگونه استقلال را به دردسر بیندازد و چگونه باعث شود استقلال تصور آسانی کارش را کنار بگذارد و به خود بیاید. این لطف را ساکت الهامی در حق فرهاد مجیدی کرد و شاید حتی می‌توانست درس بزرگ‌تری به استقلال بدهد، چنان که پیش‌ترها داده بود. علیرضا رضایی مقابل نساجی فرشته نجات استقلال بود. او اگرچه هنوز تسلط کافی برای بازی در استقلال با حضور رشید مظاهری و حتی حسین حسینی ندارد اما در بازی با نساجی واکنش‌هایی داشت که یک لحظه غفلت در آن صحنه کار استقلال را تمام کرده بود. استقلال نباید داستانش مقابل نساجی اینچنین پیچیده شود که دروازه‌بان تازه‌کارش نجاتش دهد. آن همه ستاره استخدام نشده‌اند که دروازه‌بان سوم تیم مجری عملیات نجات باشد. استقلال نه چیزی را از دست داده و نه با بحرانی مواجه شده است اما استقلالی که می‌خواهد مدعی قهرمانی باشد، نباید در ورزشگاه آزادی و در روزی که تماشاگرانش را روی سکو ها می‌دید، به تساوی راضی شود. بازی استقلال گره خورده بود و هافبک‌های استقلال - از جمله جناب آرش رضاوند - از پس بازکردنش برنمی‌آمدند. استقلال باید بازی بهتر و مؤثرتری با کوین یامگا و روی ژستد بسازد، باید بازی حسین‌زاده را به آنها وصل کند و ارسلان مطهری را به کمک‌شان بفرستد اما این کار به هافبک‌هایی هم نیاز دارد که پشت سر این تیم بازی خلق کنند، نه اینکه از کیفیت بازی برای آسان کردن کار خود بکاهند.

تیتریک

مهدیه دریابیگی ■

بازی که شروع شد چهره‌ای درون دروازه استقلال ایستاد که همه مخاطبان فوتبال متعجب شدند، به همین دلیل ذهن علاقه‌مندان به فوتبال به هفده هجده سال پیش رفت، زمانی که وحید طالب‌لو گلر سوم استقلال جای برومند و طباطبایی را گرفت، همان روزهایی که امیر قلعه‌نویی پشت طالب‌لو ایستاد و از او یک چهره ویژه ساخت. چه کسی فکرش را می‌کرد فرهاد هم جای قلعه‌نویی بگذارد در روزهایی که حسینی و مظاهری چهره‌های شناخته شده استقلال برای پیراهن شماره یک استقلال می‌جنگند به نفر سومی اعتماد کند و این پیراهن را به او بدهد اما در روزی که تماشاگران استقلال بعد از ۲۲ ماه به ورزشگاه آزادی رفتند تا بازی تیم محبوب خود را ببینند رضایی جوان، درون چارچوب دروازه ایستاد و اتفاقاً آنقدر خوب کار کرد که کسی سراغ حسینی و مظاهری را نگرفت و در لحظات پایانی بازی صدای تشویق رضایی توسط هواداران استقلال، گوش ورزشگاه را کر کرد. حالا فرهاد سرش را بالا می‌گیرد و رضایی هم همان رقیب خطرناکی شده که حسینی و مظاهری باید حواس‌شان به او باشد. گلر جوان استقلال که از پیکان به این تیم آمد خودش این مسأله را به خوبی درک کرده که جای خاصی در استقلال پیدا کرده است و از این پس با انگیزه خاصی در تمرینات استقلال حاضر می‌شود. با رضایی همکلام شدیم بازیکنی که حالا تمام حواس‌ها به سمت او است.

چه شد که در بازی مقابل نساجی درون دروازه استقلال قرار گرفتی، این اتفاق همه را شوکه کرد و کسی فکر نمی‌کرد که تو در این بازی گلر استقلال باشی!

خدا را شکر می‌کنم که این فرصت در اختیار من گذاشته شد. از آقای مجیدی و غلامپور هم تشکر می‌کنم که به من اعتماد کردند و این فرصت را در اختیارم قرار دادند. به هر حال آنها به عنوان کادرفنی شرایط هر بازی را می‌سنجند و در نهایت تصمیم خود را می‌گیرند. خدا را هم شکر می‌کنم که نسبتاً خوب شروع کردم و بازی خوبی هم بود.

بازی کردن تو مصادف شد با حضور تماشاگران، (بعد از غیبت ۲۲ ماهه) به دلیل حضور تماشاگران استرس نداشتی؟

طبیعی است که در چنین شرایطی استرس داشته باشم اما حضور تماشاگران انرژی مضاعفی به من داد و لذت بردم که انتخاب من در این بازی مصادف شد با حضور آنها. اتفاق خیلی خوبی بود و انرژی زیادی گرفتم.

به ابتدای فصل برگردیم. به خاطر اینکه حسینی و مظاهری دو گلر آماده هستند، بارها این شایعه بر سر زبان‌ها افتاد که تو قصد داری به صورت قرضی به تیم دیگری بروی اما تو ماندی و خیلی زود هم فرصت بازی پیدا کردی. در مورد آن روزها و تصمیمی که گرفته بودی حرف می‌زنی؟

من با انتخاب خود آقای مجیدی به استقلال آمدم. افتخار بزرگی بود که هم باشگاه و هم آقای مجیدی من را انتخاب کردند اما در آن مقطع همانطور که می‌دانید چون با بزرگترها و دوستان خوبم صحبت کردم و مشورت گرفتم، تصمیم گرفتم به صورت قرضی به تیم دیگری بروم اما آقای مجیدی با جدایی من مخالفت کردند و خدا را شکر ماندم و حالا هم بازی کردم.

وقتی با حضور مظاهری و حسینی تو برای این بازی انتخاب شدی، مخاطبان فوتبال یاد وحید طالب‌لو افتادند. زمانی که آقای قلعه‌نویی در حضور برومند و طباطبایی، طالب‌لو را انتخاب کرد.

شما لطف دارید که من را با وحید طالب‌لو مقایسه می‌کنید و مثال ایشان را می‌زنید. به هر حال من با آقای مظاهری و حسینی سه گلر استقلال هستیم که تمرین می‌کنیم و در نهایت آقای مجیدی و غلامپور تصمیم می‌گیرند که در هر بازی چه کسی حضور داشته باشد. ما با صلاحدید آنها بازی می‌کنیم که در این بازی صلاح دانستند من باشم.

یعنی تو ناراحت نمی‌شوی اگر بنا به همین صلاحدید کادرفنی در بازی بعدی استقلال حضور نداشته باشی؟

نه. من اصلاً ناراحت نمی‌شوم بازی بعدی نباشم.

استقلال در بازی با نساجی خوب کار کرد اما بازیکنان این تیم بی‌دقت بودند و نتوانستند از فرصت‌ها استفاده کنند. در دقیقه ۸۵ هم اگر تو آن توپ تک به تک را نگرفته بودی ممکن بود کلاً نتیجه بازی تغییر کند!

جذابیت فوتبال همین است. در فوتبال تمام موقعیت‌ها گل نمی‌شود. من هم در این بازی لذت بردم که در کنار سایر بازیکنان استقلال بازی کردم. دقیقه ۸۵ هم لطف خدا بود که من آن توپ را گرفتم و باید از مدافعان استقلال تشکر کنم که خیلی به من روحیه دادند و باعث شدند خوب کار کنم.

اینطور که گفته می‌شد آقای مجیدی در رختکن خیلی حرص خورده است. دلیل این همه عصبانیت چه بود؟

آقا فرهاد تعصب مثالزدنی نسبت به استقلال دارد. من ایشان را از دور می‌شناختم اما الان از نزدیک تعصب ایشان را می‌بینم. آقای مجیدی ذهن بزرگی دارد و به اهداف بزرگی فکر می‌کند به همین دلیل هم هست که به ما سرتمرین می‌گوید باید فقط به پیروزی و قهرمانی فکر کنید. ایشان در رختکن بعد از بازی خیلی حرص خورد.

بخشی از ناراحتی ایشان هم برمی‌گشت به پنالتی که برای استقلال گرفته نشد! نظر شما در خصوص آن صحنه چه بود؟

من ترجیح می‌دهم نظری ندهم و کارشناسان داوری در این خصوص صحبت کنند.

بازی با گل‌گهر را در پیش دارید. نظرت در خصوص این بازی چیست چون تیم‌ها از نظر امتیازی خیلی به هم نزدیک هستند.

ما برای این بازی هم تلاش خودمان را می‌کنیم تا نتیجه بگیریم. در مورد جدول هم باید بگویم ابتدای فصل این فاصله امتیازی کاملاً طبیعی است.

کریمی گل زد؛ سلوی الصباح گلباران شد

فرشته، فرشته نجات نبود

در هفته نخست نیم‌فصل دوم لیگ برتر فوتسال زنان کویت، تیم سلوی الصباح در حضور ستاره ایرانی خود به مصاف العربی رفت؛ فرشته کریمی بعد از هت‌تریک در بازی قبلی، به دنبال یک نمایش درخشان دیگر در ترکیب سلوی الصباح بود اما بازی آنطور که یاران کریمی می‌خواستند پیش نرفت و بازیکنان العربی موفق شدند نیمه نخست را با برتری ۳ - ۰ به پایان ببرند. در ادامه فرصت‌های العربی یکی پس از دیگری به گل تبدیل شد تا این که نتیجه بازی ۹ - ۰ به سود این تیم شود.

در فاصله ۴ دقیقه مانده به پایان بازی یک ضربه پنالتی از نقطه دوم نصیب سلوی الصباح شد اما دروازه‌بان العربی با واکنشی دیدنی ضربه کریمی را مهار کرد؛ بعد از این ضربه پنالتی از دست رفته، بازیکنان العربی به گل دهم نیز دست پیدا کردند. در دقایق پایانی، کریمی برای جبران پنالتی از دست رفته خود را به آب و آتش زد و سرانجام توانست با چرخشی زیبا و ضربه تمام‌کننده عالی قفل دروازه العربی بشکند. او با این گل شمار گل‌های خود در این عدد ۱۰ رساند و به جایگاه چهارم برترین گلزنان صعود کرد.

شکست تلخ تیم ستاره‌های ایرانی در اوکراین

اللهیار پاس گل داد، کارت گرفت، زوریا باخت

در ادامه مسابقات هفته پانزدهم لیگ برتر اوکراین، تیم فوتبال زوریا لوهانسک در حالی که مثل دیدارهای قبل اللهیار صیادمنش و شهاب زاهدی را به صورت همزمان در ترکیب و خط حمله داشت، در استادیوم آرنا لویو به مصاف رُخ لویو رده سیزدهمی رفت.

زوریا لوهانسک که در سه دیدار اخیرش در لیگ برتر اوکراین به ۳ پیروزی رسیده بود، در بازی خارج از خانه مقابل رُخ لویو نتوانست عملکرد هفته‌های قبل خود را داشته باشد و در نیمه اول با ۲ گل خورده به رختکن رفت.

شهاب زاهدی که در پنج مسابقه رسمی اخیرشان فوق‌العاده ظاهر شده و ۶ گل به ثمر رسانده و ۵ پاس گل داده بود، پس از اینکه در دقیقه ۲۴ بازی برابر رُخ لویو یک کارت زرد دریافت کرد، در ابتدای نیمه دوم تعویض شد.

زوریا لوهانسک در دقیقه ۶۴ روی پاس در عرض اللهیار صیادمنش برای ماکسیم لونیوف و شوت پای چپ تماشایی این بازیکن به گل اول دست پیدا کند. صیادمنش در دقیقه ۸۵ از زمین بیرون رفت و در واپسین ثانیه‌های بازی در خارج از زمین یک کارت زرد گرفت!

بعد از جهانی نروژ، تعداد بچه‌هایی که به سالن کشتی بابل می‌آیند دو برابر شده است

علی اکبر یوسفی: از بچگی رویای این مدال طلا را داشتم

علی اکبر یوسفی قهرمان سنگین وزن کشتی فرنگی جهان یکی از ستاره‌های غیرمنتظره کشتی ایران در جهانی نروژ بود. ستاره نوظهوری که در دقیقه ۹۰ و پس از کروناى ناگهانی نفر اول این وزن، به نروژ رفت و توانست با درخششی هیجان انگیز نخستین مدال طلای جهانی سنگین وزن کشتی فرنگی را به سینه بزند.

یوسفی در مورد اینکه به جای امین میرزازاده راهی جهانی نروژ شد، اظهار داشت: یک ماه قبل از جهانی در تورنمنت صربستان شرکت کردم که آنجا اول شدم. در صربستان با تمام کشتی‌گیران جهانی کشتی گرفتم و قبل و بعد از آن هم من در اردو حضور داشتم و پابه‌پای میرزازاده تمرین کردیم. بعد مشکل کرونا برای میرزازاده پیش آمد و بنا تصمیم گرفت من را جای او بگذارد. من به مسابقات بزرگسالان جهان رفتم و میرزازاده جای من در امیدهای جهان شرکت کرد که خدا را شکر هر دوی ما طلا گرفتیم.

وی که اولین مدال طلای جهانی تاریخ کشتی فرنگی ایران را در اسلو به خود اختصاص داد، در این باره تأکید کرد: من از بچگی به این مدال فکر می‌کردم، چون اولین مدال دار تاریخ کشتی فرنگی هم باشگاهی‌ام بود. زمانی که بشیر باباجان‌زاده برنز جهان را گرفت، همه ما در باشگاه سیدهاشم و سید صابر میرزاده می‌خواستند راه بشیر باباجان‌زاده را بروند. این رویایی بود که همیشه در ذهنم داشتم و خدا را شکر که توانستم به آن برسم.

یوسفی در مورد مبارزه فینالش با حریف روس، گفت: پیش از فینال این کشتی‌گیر را با محمد بنا و رسول جزینی آنالیز کرده بودیم. کشتی‌اش را در المپیک دیده بودیم، قرار شد من در تایم اول به دنبال پوئن گرفتن نباشم. برنامه‌مان این بود که در تایم دوم امتیاز بگیریم که من همین برنامه را روی تشک اجرا کردم.

این کشتی‌گیر جوان آملی با اشاره به سختی‌هایی که برای رسیدن به طلای جهانی پشت سر گذاشته، خاطرنشان کرد: بعد از لیگ پارسال که اردوها شروع شد، ما دیگر در اردوی تیم ملی بودیم. شاید خیلی‌ها بگویند کشتی همه‌اش ۶ دقیقه است، آنها فقط این ۶ دقیقه را می‌بینند و سختی‌های قبلش را نمی‌بینند. ما بعد از لیگ، ۱۲ - ۱۳ روز در اردو بودیم و سه روز در خانه. ۱۱ ماه وضعیت ما به همین شکل بود. ورزش حرفه‌ای سختی‌های خاص خودش را دارد، من خدا را شکر می‌کنم که در اردوها به آمادگی خوبی رسیده و در جهانی نتیجه گرفتم.

یوسفی که از معدود کشتی‌گیرانی است که مورد استقبال خوب مسئولان شهرش قرار گرفته، در این باره عنوان کرد: من اولین نفری بودم که هم مسئولین و هم مردم برایم سنگ تمام گذاشتند. فرماندار، استاندار و شهردار همه آمدند. ستاد استقبال تشکیل داده بودند و کل شهر را بسته بودند که مراسم استقبال خوب باشد. استقبال بی‌نظیری از من شد، یک مسیر ۵ دقیقه‌ای با ماشین، سه ساعت طول کشید. مردم شهرم به من لطف زیادی داشتند و امیدوارم با مدال‌های جهانی بعدی و المپیک کارشان را جبران کنم.

وی در خصوص اینکه آیا بعد از قهرمانی جهان، به سالن تمرینش در بابل سر زده است؟ گفت: بله، جا دارد از مربیان عزیزم سید صابر و سیدهاشم میرزاده که باشگاه را ۲۴ ساعته در اختیار من و باقی بچه‌ها گذاشتند، تشکر کنم. بعد از جهانی نروژ، تعداد بچه‌هایی که به این سالن می‌آیند دو برابر شده است. امیدوارم کشتی این مملکت روز به روز پیشرفت کند. باشگاهی که ما در آن تمرین می‌کنیم، تشک خیلی قدیمی داشت که تازه برایش تشک گرفته‌ایم اما هنوز باقی وسایلش مانده است. کسی به باشگاه ما سر نمی‌زند که این مشکل حل شود. ما با این شرایط تمرین کرده و به قهرمانی رسیده‌ایم. کسی دست ما را نمی‌گیرد، ان‌شاءالله با تلاش و کوشش، قهرمانی‌های بیشتری بیاوریم و خودمان به داد باشگاه‌ها برسیم.

یوسفی که در دور رفت برای تیم فولادین ذوب آمل کشتی گرفت، در مورد لیگ تأکید کرد: چون کشتی‌گیران‌مان در مسابقات امیدهای جهان شرکت کرده بودند، من در دور برگشت برای فولادین ذوب روی تشک رفتم و در مرحله پایانی هم کشتی خواهم گرفت. در سال‌های اخیر تیم متمول بازار بزرگ در لیگ بود و کشتی‌گیران خوب را می‌گرفت چون از نظر مالی قوی‌تر از بقیه بود و اختلاف زیادی با تیم‌های دیگر داشت اما امسال که بازار بزرگ نیامد کشی‌گیران شاخص در تیم‌ها تقسیم شدند و حالا شرایط تیم‌ها مقابل هم ۶۰ - ۴۰ یا ۵۰ - ۵۰ است و لیگ قشنگ‌تر شده است.

این کشتی‌گیر سنگین وزن بابل با اشاره به اینکه در بچگی یکی دو بار کشتی لوچو گرفته، ادامه داد: پدرم، عموها و دایی‌هایم کشتی لوچو می‌گرفتند. آنها هیچ کدام نتوانستند ورزش قهرمانی را ادامه دهند و اکنون من پرچمدار خانواده‌مان در کشتی هستم. آنها همه در مورد کشتی‌هایم صحبت می‌کنند.

یوسفی در خاتمه ضمن تشکر از دوستان، مربیانش، محمد بنا و رئیس فدراسیون کشتی گفت: مردم در سراسر کشور به ما لطف داشتند، کشتی در نروژ دل مردم را خیلی شاد کرد. ان‌شاءالله که کشتی بتواند همیشه مردم را با نتایج و موفقیت‌هایش شاد کند.

چرا کسی نمی‌پرسد چطور کشتی فرنگی صاحب چرخه شد؟

به جز ابهام بند آخر همه چیز خوب است

یادداشت

وحید جعفری ■

خدا را شکر کشتی فرنگی هم چرخه‌دار شد اما ای کاش یک نفر از میان تمام آنهایی که در همه این سال‌ها روش محمد بنا در انتخاب ملی‌پوشان را درست می‌دانستند، پیدا شده و این سؤال را مطرح کند که چطور به یکباره کشتی فرنگی صاحب چرخه شد و سرمربی موفق تیم ملی به چرخه اعتقاد پیدا کرد؟

مگر آن روش انتصاب چشمی درست نبود و اگر اینطور بوده، چرا دست‌اندرکاران کشتی فرنگی و حامیان روش محمد بنا سکوت کرده‌اند و مانع عملی شدن چرخه نمی‌شوند که خدای نکرده کشتی فرنگی متضرر نشود؟

نه آقایان! باید قانونی باشد، هرچند ناقص، هرچند بد، تا حداقل تکلیف روشن باشد که کار از یک جایی شروع می‌شود و یک جایی تمام.

باید آغازی باشد تا یک استعداد، یک مدعی، بداند که از آنجا می‌تواند ورود کرده و شانس خود را امتحان کند برای تصاحب دوبنده تیم ملی. در همیشه نباید روی یک پاشنه بچرخد که اگر اینطور باشد، بگندد بهتر است.

البته هزار بار گفته و باز می‌گویم، محمد بنا تا زمانی که هست باید سرمربی باشد، چراکه مقبول است و برای یک مربی چیزی بالاتر از این نیست که مورد قبول باشد و درصد بالایی از انتخاب‌های او درست بوده اما یک بار دیگر به این موضوع اشاره می‌کنم که روش انتخاب او صحیح نبوده است، توجه داشته باشید «روش و شیوه انتخاب او».

شما شاید بتوانید حمید سوریان که یک استثناست را برای سال‌ها بدون انتخابی به مسابقات ببرید - که معتقدم آن هم درست نیست و اگر برای سوریان نیز در شرایطی متفاوت و مطلوب انتخابی گذاشته می‌شد، هم خود حمید نتایج درخشان‌تری کسب می‌کرد و هم پشتوانه‌سازی انجام می‌گرفت - اما نباید از این روش چشمی برای انتصاب همه افراد استفاده می‌شد؛ که متأسفانه شد تا ظاهر ماجرا گل و بلبل باشد و باطن آن عزا و ماتم تمام آنهایی که استحقاق این را داشتند که باشند و فرصتی نبود تا که اینطور شود و سوختند و رفتند بی‌آنکه آب از آب تکان بخورد.

بماند، باز جای شکرش باقی است که بالاخره چرخه‌ای به میان آمد و آغازی و پایانی مشخص شد و تکلیف تا حدود زیادی برای هر استعداد و مدعی معلوم شده تا دست کم بتوانند ورود کرده و طی چند مرحله ارزیابی شده و خود را ثابت کنند. باری، ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است، از همین رو با اینکه همچنان ابهاماتی بابت بند آخر چرخه و احتمال رفتار سلیقه‌ای سرمربی تیم ملی در این مرحله وجود دارد، به دست‌اندرکاران کشتی فرنگی و شخص محمد بنا، بابت پس زدن آن فضای فکری و این انعطاف تبریک گفته و برای فرنگی‌کاران در میادین پیش رو آرزوی موفقیت می‌کنیم.